



اول به خودتان سوزنی بزنید بعد به دیگران!

در مغالطه آدمک پوشالی، افراد برای مقابله با مدعایی قوی می‌کوشند مدعایی ضعیف و سست را به طرف مقابل خود نسبت داده و به جای رد کردن مدعای اصلی به رد مدعای ضعیف بپردازند.

در مغالطه آدمک پوشالی، افراد برای مقابله با مدعایی قوی می‌کوشند مدعایی ضعیف و سست را به طرف مقابل خود نسبت داده و به جای رد کردن مدعای اصلی به رد مدعای ضعیف بپردازند.

در همایش "تنوع فرهنگی، همگرایی جهانی" در یکی از بخشهای دانشجویی دو سخنرانی ارائه شد که در یکی "خانواده‌ستیزی، پیامد فمینیسم" سخنران به‌تمامی فمینیسم را رد و انکار کرده بود و در دیگری "واکاوی چالشهای فراروی عفت اخلاقی جوانان مسلمان در عصر جهانی‌شدن" کمرنگ شدن عفت اخلاقی جوانان مسلمان را ناشی از جهانی شدن عنوان کرده بود.

اگرچه بی‌شک چه فمینیسم و چه جهانی شدن، هر دو همچون دیگر تمامی پدیده‌های بشری نقاط قوت و ضعف و نیز سویه‌های روشن و تاریک بسیاری دارند اما آنچه در چنین مواجهاات و انتقاداتی که بیشتر از آنکه نقادانه باشند، یک سویه و جانبدارانه به قضاوت می‌نشینند و خود حکم می‌دهند و خود مجری احکام صادره‌اند، باید مورد توجه قرار گیرد، نگاه تقلیل‌گرایانه فرد مدعی است. بدین نحو که گوینده کلیت موضوع موردنظر خود را با تمامی وجوه گوناگونش به بخشی از آن موضوع و وجهی خاص از آن تقلیل داده و آنگاه با وارد کردن انتقاداتی کوبنده چنین می‌نماید که آن کلیت و تمامی آن وجوه را یکسره ویران کرده است و نادرستی یا بطلان موضوع را اثبات کرده است.

در واقع آنچه مدعی در چنین مواردی انجام می‌دهد همچون مبارزی است که مترسکی (آدمکی پوشالی) از رقیب را در مقابل خود می‌گذارد و آنگاه ضرباتی پیاپی را بر آن وارد می‌کند تا وی را از میدان به در کند و آنگاه به نحوی برخورد می‌کند که گویی حریفی واقعی را از میدان به در کرده است و در نهایت مدعی می‌شود که رقیبی واقعی را منکوب و از میدان به در کرده است.

در مغالطه آدمک پوشالی، شخص تصویری کاریکاتوری از دیدگاه مخالف ترسیم می‌کند، صرفاً برای اینکه بتواند نادرستی آن دیدگاه را قاطعانه اثبات کند. آدمک پوشالی به معنای حقیقی کلمه آدمکی است که از پوشال ساخته شده و برای تمرین تیراندازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ساختن آدمک پوشالی ترفندی حساب شده است که بیشتر اوقات متضمن میزانی از آرزویی‌اندیشی است و از این واقعیت ناشی می‌شود که بیشتر افراد مایل نیستند به کسی که با آنها اختلاف نظر شدید دارد هوش و ذکاوت بسیار یا بهره‌مندی از حداقلی از حقیقت را هم نسبت دهند. اعتماد بیش از حد شخص به عقیده‌اش ممکن است باعث شود که رد کردن دیدگاههای مخالف را آسان قلمداد کند، حال آنکه ممکن است این کار پیچیده‌تر و دشوارتر از آن چیزی باشد که شخص تصور می‌کند.

به دیگر سخن گاهی افراد با مدعایی قوی برخورد می‌کنند که به نظر می‌رسد مقابله با آنها برایشان بسیار دشوار است؛ بنابراین می‌کوشند مدعایی ضعیف و سست را به طرف مقابل خود نسبت دهند و به جای رد کردن مدعای اصلی به رد مدعای ضعیف بپردازند. در هر دو موردی که در آغاز این یادداشت مورد اشاره قرار گرفتند، به نظر می‌رسد گویندگان کاری مشابه را انجام داده‌اند. در یکی با ارائه تصویری ناقص، فمینیسم همچون شرترین شرور تصویر شده است که نتیجه‌ای جز خانواده‌ستیزی در پی ندارد و سبب بسیاری معضلات شده است.

گوینده اما راه را به اشتباه رفته است و تنها با ارائه روایتی آمیخته با پیش‌فرضها و پیش‌قضاوتهای یک سویه خود، تنها به سویه‌های منفی ماجرا نگریسته است، بی‌آنکه به این نکته توجه کند که یکی از مهمترین نکات در این عرصه نه فقط مسئله ظلم و ستمی است که در طول تاریخ بشریت بر زنان اعمال شده است، بل آن نوع نگاهی است که به عنوان چشم اندازی متفاوت از نگاه مردان تاکنون عموماً مورد غفلت واقع شده است.

به نظر می‌رسد آنچه در اینجا باید مدنظر قرار گیرد مباحثی چون معرفت‌شناسی فمینیستی است به نحوی که امکانی دیگر برای جامعه انسانی فراهم شود تا در پی آن بتواند جهان را نه فقط از نگاه مردان، بل از چشم‌اندازهایی زنانه نیز مشاهده کند. بنابراین اگر مترسک فمینیسم مورد نظر ما منجر به خانواده‌ستیزی، همجنسگرایی و استثمار نوین زنان می‌شود، دلیل بر آن نیست که فمینیسم به طور کلی چنین باشد تا با رد اولی، فاتحه دومی را نیز بخوانیم.

این گونه عمل کردن مشابه آن است که بنیادگرایان اسلامی همچون طالبان را عین اسلام دانسته و با رد آنها گمان کنیم اسلام را نیز از عرصه حذف کرده‌ایم حال آنکه در چنین مواردی در واقع طالبان حکم همان آدمک پوشالی را دارد که منکوب کردنش، به معنای از میدان به در کردن رقیب اصلی نیست و تنها پیروز دروغین مبارزه را دلخوش می‌کند که رقیب را شکست داده است.

همین نحوه برخورد آنگاه که سستی جوانان مسلمان در عفت اخلاقی‌شان به جهانی شدن نسبت داده می‌شود نیز قابل مشاهده است. یعنی بر ساختن تصویری ناقص از جهانی شدن و رد آن؛ حال آنکه صورت مسئله همچنان به جای خود باقی است. از سوی دیگر می‌توان هر چیزی را به هر چیزی ربط داد و در نهایت می‌توان از "اثر پروانه‌ای" در هر جایی و هر موضوعی استفاده کرد تا گفت اگر ما فلان مشکل را داریم، آنها (و جهانی شدنی که دست پخت غریبه‌است) مسبب آن بوده‌اند بی‌آنکه با خود این نصیحت ارزشمند پیشینیانمان را تکرار کنیم که "یه سوزن به خودت بزن، یه جوالدوز به دیگران".

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مغالطه آدمک پوشالی به لحاظ روانشناختی نیز قابل توجه است. به این معنا که

هر کسی در هر زمینه‌ای به یکی دو پیروزی و موفقیت برای دلگرمی و امید نیاز دارد. آنگاه که این پیروزی به طور واقعی حاصل نشود، شخص با منکوب کردن آدمک پوشالی به خود دلگرمی و امید می‌دهد. این گرایشی است که بیش از هر جایی در میان توده مردم غیرتحصیل‌کرده کاملاً مشهود است که از یک سو علاقه خاصی به نقد جریان‌ها و مسایل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند و از سوی دیگر همواره تصویر ضعیف و سستی از یک مسئله که بطلان آن واضح است ارائه می‌کنند تا به این ترتیب به پیروزیهای کوچک و شیرین خود دست یابند.